فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره بیست و یکم، زمستان۱۳۹۶- صفحات ۱۳۴-۱۱۵

نقد و بررسی دلالت‌ها، چالش‌ها و راهکارهای بانکداری متعارف در اقتصاد ایران

محمدمهدی مجاهدی مؤخر[۱]

تاریخ دریافت:۱۳۹۶/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش:۱۳۹۶/۰۶/۲۰

چکیده

اقتصاد ایران در شرایط کنونی در اثر تشدید تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه محدودیت‌های ایجاد شده در حوزه‌های تأمین مالی و بانکی شرایط منحصر به فردی را تجربه می‌کند. تأثیر تحریم‌ها به مثابه یک جنگ همه‌جانبه اقتصادی در ایجاد آشفتگی مالی ضمن این‌که نتوانسته است مسیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را در حوزه انتشار پول و اعتبار و کارکرد نهادهای بانکی تصحیح کند؛ طیفی از نهادهای عمومی و خصوصی را در بهره‌گیری از فرصت‌های سودآور بازار آشفته، در بستر اعمال تحریم تحریض نموده است. ادامه سیاست‌های انبساط مالی شامل گسترش بانک‌ها و مؤسسات خصوصی اعتبار، تداوم سیاست‌های انبساطی پولی و اعتباری، اتخاذ رویکردهای متناقض در جذب و کنترل نقدینگی ایجاب می‌کند تا ضمن ارائه پیشنهادها کاربردی در حوزه بانکی در شرایط امروز کشور، با تبیین اندیشه‌های مخالف جهت ایجاد اقناع فکری (فارغ از مقاومت‌های غیرعلمی منفعت‌جویانه) به ارائه راهکاری مناسب برای جامعه دست پیدا کرد. در همین راستا و نیل به اهداف فوق، دلالت‌های وارده بر اشکالات نظام بانکداری متعارف که در نظام بانکی کشور نیز مشهود است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این دلالت‌ها شامل: مدل مطلوب بانکداری، بانکداری متعارف، عدم تعادل و تثبیت رکود، دارایی کمتر از حجم بدهی بانکی، سود سرشار خلق اعتبار، خلق پول و توزیع درآمد است. در ادامه به مقایسه برنامه‌های توسعه‌ای کشور درزمینه این اشکالات و تناقض‌های سیاست‌های برنامه‌ای با توجه به دلالت‌های پنج‌گانه آشکارشده، پرداخته می‌شود. در نهایت، بسته سیاستی و راهکارهای لازم برای عبور از چالش‌های بانکداری متعارف نیز پیشنهاد می‌شود.

کلمات کلیدی: فضای ارو- دبرو، اعتبار، پول، بانک، بانکداری متعارف.

طبقه‌بندی JEL: G21,C19

۱. عضو هیئت علمی گروه اقتصاد بازرگانی دانشگاه علامه طباطبایی M_Mojahedi2004@Yahoo.Com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مقدمه

رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی اعم از افزایش سطح اشتغال، کنترل تورم و تعادل در تراز پرداخت‌ها از اهداف نهایی سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. بدین منظور ابزارهای سیاست مالی دولت و سیاست پولی بانک مرکزی، اهرم‌هایی هستند که کشورها برای دستیابی به اهداف نهایی خود مورد استفاده قرار می‌دهند. در این راستا، بانک‌ها به عنوان نهادهای مالی و خدماتی از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد هر کشور برخوردار بوده و نهاد بانک به عنوان عضوی از شبکه بازارهای مالی نقشی مهم در حیات اقتصادی جامعه ایفا می‌کند.

وظیفه اصلی نظام بانکی، تأمین بخشی از منابع و اعتبارات مالی مورد نیاز پروژه‌های دارای توجیه اقتصادی در مسیر رشد اقتصادی کشور است. همچنین جذب پس‌اندازهای خرد و هدایت آن در مسیرهای سرمایه‌گذاری، تخصیص اعتبارات و تسهیل گردش وجوه، جملگی از کارکردهای نهاد بانک محسوب می‌شود. با این وجود نوع عملکرد فعالیت نهاد بانک در جذب سپرده و اعطاء وام می‌تواند، جامعه را با آسیب‌های بالقوه‌ای و یا بالفعلی مواجه سازد. آسیب‌هایی نظیر؛ عدم تخصیص بهینه منابع در نظام بانکی و دامن زدن به تورم توأم با رکود، عدم تعادل‌های پولی و تسری آن به بخش حقیقی اقتصاد و اشکالات مترتب بر تفاوت‌های سررسیدی (شامل تعهد بانک به پرداخت عندالمطالبه وجه سپرده و تأخیر در دریافت اقساط، غیر جاری شدن وام‌های اعطایی و یا قدرت نقد شوندگی پایین دارایی‌های بانکی برای ایفای تعهد به سپرده‌گذاران). همچنین می‌توان به اثرات سوء ناشی از عدم هدایت اعتبارات بانکی به سمت بخش‌های تولیدی و تشدید تورم اشاره داشت که جملگی مواردی است که می‌توان در بستر عملکرد نهاد بانکی در کنار مزایای وجود این نهاد در اقتصاد قابل مشاهده است.

بررسی برنامه‌های توسعه‌ای درزمینه راهبردها و سیاست‌های پولی و بانکی نشان‌دهنده اقبال سیاست‌گذاران اقتصادی کشور به موضوع توسعه مالی و اعتباری است. شاهد مثال این مسئله در گسترش بانک‌ها و نهادهای مالی و بانکی در شبکه رسمی تحت نظارت بانک مرکزی و نیز در بازار غیر متشکل پولی قابل استناد است. این تفکر علی‌رغم ایجاد مشکلات عدیده اقتصادی برای جامعه ایران کماکان در عمق اندیشه و افق نگاه تصمیم‌گیران اقتصادی کشور دنبال می‌شود. نتیجه چنین اقداماتی در دور تسلسل‌های باطل، مارپیچ تورم و نرخ بهره دیده می‌شود؛ اما با این همه، کشور همواره تجربیات آزمون شده گذشته خود را مجدداً با تلخی می‌آزماید. در این رابطه به نظر می‌رسد تبیین اندیشه‌های مخالف جهت ایجاد اقناع فکری (فارغ از مقاومت‌های غیرعلمی منفعت‌جویانه) شاید بتواند به ارائه راهکاری مناسب برای جامعه منجر شود. این موضوع در شرایط کنونی اقتصاد ایران که سایه سنگین تحریم را تحمل می‌کند بیشتر اهمیت می‌یابد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

امروزه اقتصاد ایران در اثر تشدید تحریم‌های بین‌المللی به ویژه محدودیت‌های ایجاد شده در حوزه‌های مالی و بانکی شرایط منحصر به فردی را تجربه می‌کند. تأثیر تحریم‌ها به مثابه یک جنگ همه‌جانبه اقتصادی در ایجاد آشفتگی مالی ضمن این‌که نتوانسته است مسیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را در حوزه انتشار پول و اعتبار و کارکرد نهادهای بانکی تصحیح کند؛ طیفی از نهادهای عمومی و خصوصی را در بهره‌گیری از فرصت‌های سودآور بازار آشفته، در بستر اعمال تحریم تحریض نموده است. ادامه سیاست‌های توسعه مالی شامل گسترش بانک‌ها و مؤسسات خصوصی اعتبار، تداوم سیاست‌های انبساطی پولی و اعتباری، اتخاذ رویکردهای متناقض در جذب و کنترل نقدینگی نظیر انتشار اوراق مشارکت در کنار وجود چالش‌های بنیادین در عملکرد نظام بانکی کشور ایجاب می‌کند تا ضمن ارائه پیشنهادهای کاربردی در حوزه بانکی در شرایط امروز کشور، تلاش شود تا به لحاظ تئوریک اشکالات مترتب بر ساختار سیاست‌گزاری بانکی مطرح و راهکارهای جانشین ارائه شود.

در همین راستا این پژوهش بر آن است تا چالش‌های متعارف نظام بانکداری موجود را بیان و راهکارهایی ارائه نماید. برای نیل به این هدف، بخش دوم مقاله به ارائه دلالت‌هایی از آسیب‌ها و چالش‌های نظام بانکداری متعارف و تدوین و ارائه الگویی برای نظام بانکداری مطلوب پرداخته است. در بخش سوم، نظام بانکی کشور در اسناد بالادستی و تشتت نگرش به مکانیسم بانکی مورد توجه قرارگرفته و درنهایت نیز راهکارهایی برای ارتقاء نظام بانکداری موجود پیشنهاد شده است.

۱. نظام بانکداری متعارف، آسیب‌ها و چالش‌ها

صرف‌نظر از آسیب‌های مطرح در نظام بانکداری ایران به‌ویژه در مقطع کنونی، نهاد بانکداری متعارف ذاتاً با اشکالات و چالش‌هایی جدی مواجه است. این چالش‌ها هم در فضای نظری و هم در مقام تجربه در دنیای کنونی مشاهده می‌شود.

مطالعه ریشه‌های تاریخی شکل‌گیری نهاد بانک نشان می‌دهد نظام بانکداری درگذر زمان از مسیر و هدف اولیه خود دور شده است. بانک‌ها در ابتدای فعالیت خود، پوشش کاملی از بدهی و تعهد خود به‌صورت پول نقد را داشته است. درحالی‌که بانکداری امروز با بهره‌گیری از ابداعات جدید مالی و عملیات پیچیده و متنوع بانکی تلاش می‌کند تا با استفاده از مکانیسم خلق اعتبار و انتشار پول درونی[1] با منشأ بدهی نقشی قاطع در تأمین مالی و تخصیص سرمایه فیزیکی جامعه ایفا کند.

امروزه حرکت خزنده نهادهای مالی و به خصوص بانک‌ها در تخصیص مصارف ادوار زندگی خانوارها از طریق تهییج به سپرده‌گذاری منابع مالی و تعهد و الزام به تودیع عندالمطالبه آن،

1. Inside Money

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

تخصیص منابع سرمایه‌ای از منابع سپرده‌ای تعهد شده و انتقال آن به بخش‌های تجاری غیرقابل انکار است. این تخصیص نه براساس منافع عمومی بلکه بر پایه نفع بانک تعیین می‌شود که یکی از نقاط انحراف از مسیر توسعه همه‌جانبه اقتصادی است. در این چارچوب، عملکرد اقتصادی سیستم‌های مالی به شکلی افسانه‌ای توسعه یافته است و ابداعات مالی و بانکی با نرخی شتابنده بروز و نمود می‌یابد. به طوری‌که بانکداری تجاری با استفاده از خدمات جدید پرداخت و تأمین نقدینگی، انتقال وجوه و دارائی مالی، مدیریت ریسک و نیز پردازش اطلاعات هویتی سپرده‌گذاران و وام‌گیرندگان، نقش تأثیرگذار خود را ریشه‌دارتر و پایدارتر نموده است. در بستر چنین اقدامی ماهیت و مفهوم پول از تعریف کلی آن به منزله یک قرارداد اجتماعی تغییر می‌کند و از مفهوم اقتصادی آن به عنوان پول بیرونی[1] خارج می‌شود، به طوری‌که نوعاً پول رایج، اعتبار و یا پول درونی است که بدهی بانک به جامعه و بدهی تک‌تک افراد به یکدیگر است.

عملکرد نظام بانکداری متعارف، بیش ازآن‌چه پول و اعتبار منتشر و عرضه می‌شود پول و اعتبار تقاضا می‌شود چرا که سرعت رشد تولید هیچ‌گاه با رشد خلق پول برابری نمی‌کند که اولین نتیجه منطقی آن رشد سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش رفاه گروه کثیری از آحاد جامعه است. همچنین تأثیر عملکرد بانکداری متعارف بر توزیع درآمد، شکل‌گیری و تثبیت بهره پولی نیز قابل تأمل است. مضافاً این‌که در سازوکاری که در تشخیص خوبی و بدی پول کاغذی و اعتباری هیچ‌گونه مقیاسی وجود ندارد و نمی‌توان با عیار جنس پول (پول کالایی) به مقایسه ارزش اسمی و ارزش حقیقی پول پی برد، رشد فزاینده قیمت‌ها و بحران‌های بانکی معیار تشخیص آشفتگی و نابسامانی یک نظام پولی استوارشده بر پایه الگوی بانکداری متعارف است.[2]

چنان‌چه پول و اعتبار را در مفهوم عام آن فراتر از یک رهیافت اقتصادی صرف بدانیم و آن را با فرهنگ و جامعه مرتبط کنیم، می‌توان درکی عمیق‌تر از وضعیت پول و تأثیرات آن در جامعه مدرن در بستر عملکرد بانکداری متعارف دریافت کرد. از این منظر، پول و اعتبار کارکردهای پنهان و ناخواسته‌ای را در سراسر جامعه مدرن ایجاد کرده است. جامعه مدرنی که نگرش‌ها و تصورات و پردازش اطلاعات اقتصادی تک‌تک اعضای آن نسبت به مفهوم اعتبار و پول یکسان نیست، ممکن است در پس سوء استفاده‌های ناشی از انتشار پول و خلق اعتبار از یک‌سو به تغییر در رفتار اجتماعی نظیر تفاخر و تکبر، تبعیض اجتماعی اسراف و تبذیر بیانجامد و از سوی دیگر به

1. Outside Money

۱. هرچند این مسئله در اقتصاد ایران به دلایل الزام‌آور قانون پولی و بانکی مشعر بر تضمین سپرده‌های بانکی توسط بانک مرکزی هیچ‌گاه به ورشکستگی بانک‌ها نمی‌انجامد ولی به افزایش پایه پولی از طریق رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی منجر شده و دور تسلسل انتشار پول، رشد نقدینگی و تورم تداوم می‌بخشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

سرخوردگی طبقات اجتماعی ضعیف که رفاه آنان با رشد تورم ناشی از مکانیسم خلق اعتبار مستمراً کاهش یافته است، منجر شود. آسیب‌های اجتماعی این مسئله می‌تواند در نزاع‌ها، نـا اطمینـانی‌هـا، تقلیل سرمایه اجتماعی و افزایش فضای مبهم آلود فضای کسب کار نمود یابد. در این بستر است که پول به عنوان غیرشخصی‌ترین کالای نگهداری شده توسط افراد به جای این‌کـه در مسـیر عقلانیـت مبتنی بر رعایت آداب و رسوم قرار گیرد به عقلانیت حسابگرانه مبتنی بر سود و زیان و سـفته‌بـازی منجر می‌شود. طبقات جدید اجتماعی شکل‌گرفته در متن بانکداری متعارف زمینه چنین اقـدامی را دارند و مشاهدات عینی در جامعه بروز این زمینه‌ها را در اقتصاد ایران تائیـد مـی‌کنـد. البتـه انجـام مطالعات در این حوزه را باید به جامعه‌شناسان و روانشناسان واگذار کرد.

پول و اعتبار بانکی در مفهوم امروزی آن از یک‌سو باید بتواند ارزش‌های پولی کـه توسـط افـراد جامعه از پول در مفهوم امروزی آن درک می‌کند را به مدد انتزاع ذهنی به درک مشترک و یکسـان از قرارداد اجتماعی پول برساند و از سوی دیگر ارزش‌ها را از مرزهای اجتماعی و ادراک فردی خارج کرده و به کالاها ارزشی عینی دهد. در وجه اخیر این خصوصیت پول و اعتبار است که ارزش ذهنی را به‌طور کامل بیان و جلوه عینی می‌بخشد.(ارزش‌هایی که در شکل ذهنـی بـه چیزهـا نسـبت داده می‌شوند و اغلب در یک جامعه بدون پول به سختی فرصت بیان کمی و عینی می‌یابد به کمک پول و اعتبار به‌راحتی عینیت می‌یابد و قابلیت مبادله پیدا می‌کنند). لیکن اعتبـار بـانکی نمـی‌توانـد بـه دلیل نقش مؤثری که در تورم دارد نمی‌تواند نقش معیار سنجش ارزش را برای مبادلـه بـه درسـتی ایفا کند. نقش انحصار گونه‌ای که بانک از خاصیت منحصر به فرد پول به دست مـی‌آورد سـودآوری شگفت‌انگیز خلق اعتبار بانک را در خلق بیشتر و بیشتر اعتبار تحریک مـی‌کنـد؛ بنـابراین از طریـق تورم بانک این معیار قراردادی را به طور مستمر نقـض مـی‌کنـد کـه آثـار پـیش‌گفتـه اجتمـاعی و اقتصادی نامطلوبی را برای جامعه به دنبال دارد.

رواج یافتن پول اعتباری بانک به جای پـول رسـمی و حکمـی (اسـکناس و مسـکوک) تفـویض کارکردهای پول رسمی به پول اعتباری بانکی به منزله قدرت بخشیدن به نهادهای خصوصـی دارای مؤسسات مالی و اعتباری است. در نهایت منافع خود را به لحـاظ اقتصـادی دنبـال مـی‌کنـد و نفـع جامعه از درجه چندم اهمیت برخوردار است. شاهد مثال در این مورد را می‌تـوان در بسـتر شـرایط تحریم مشاهده نمود به‌طوری‌که طیف وسیعی از مؤسسات و نهادهای مالی از بـازار آشـفته ناشـی از تحریم قارچ گونه رشد یافتند و عملاً نتوانستند در خدمت بخش حقیقی اقتصـاد باشـند. نتیجـه آن شد که به رکود تورمی به دلیل وابستگی بالای نهاد بانکی کشور به نرخ سود بـانکی دامـن زده شـد. آشکار است که خلق اعتبار بانکی به تورم پولی و نرخ‌های سود بانکی متناسب با تورم منجر و رکـود را به دنبال خواهد داشت. اشکالات مترتب بر نظام اقتصادی نشان می‌دهد که تبعات کارکرد سیستم

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

بانکی کنونی بر اقتصاد کشور تثبیت نرخ‌های بهره پولی، رکود مداوم پولی و بیکاری، عدم تعادل‌های پولی و تسری آن بربخش حقیقی اقتصاد و ورشکستگی مؤسسات مالی در انجام و ایفای تعهدات به سپرده‌گذاران است. در این میان آسیب اصلی را آحاد مردمی تحمل می‌کنند که ناخودآگاه تغییر شیوه پرداخت‌های پولی از پول کاغذی به پول الکترونیک با منشأ بانکی (منشأ بدهی) را پذیرفته‌اند.

زمینه اتخاذ سیاست‌های ضد تورمی و ضد رکودی از طریق اصلاح ساختار بانکی بدهی محور ممکن است. نظام بانکی و مکانیسم اعتباری بدهی محور منجر به شکل‌گیری نرخ‌های بالای سود و نتیجه آن قدم نهادن در دام تورم پولی بالا و بیکاری می‌شود که نتیجه آن تضعیف ارزش پول ملی و صرفاً پذیرش آن برای معیار سنجش و انجام مبادلات اقتصادی در درون مرزهای سیاسی است. این مسئله در مقابل به معنی پذیرش سایر ارزها ازجمله دلار (در کنار سایر دارایی‌ها) به عنوان پس‌انداز و روشی برای جبران کاهش ارزش پول ملی است. این موضوع بدان معنی است که دلار و سایر ارزهای جهان روا که در بستر بدهی خلق می‌شوند برخی از دلایل ثبات ارزش خود را از طریق تقاضای جامعه (به عنوان جزئی از جامعه جهانی) برای نگهداری آن به دست می‌آورند. این در حالی است که جامعه شاید به لحاظ چالش سیاسی تمایلی به پذیرش آن ندارد لیکن از منظر اقتصادی آن را به عنوان بدیلی برای سبد دارایی‌های خود برگزیده است. این کنز پول چه به شیوه نگهداشت دلار (و چه به‌صورت طلا و فلزات گران‌بها) ضمن این‌که جامعه عملاً سلطه و هژمونی دلار را پذیرفته است، به معنی خارج کردن منابع پولی از فرایند تولید نیز تلقی می‌شود. موضوعی که اقتصاد ملی را در دور باطل تورم و رکود پولی قرار می‌دهد. تورم پولی ناشی از خلق اعتبار بانکی برپایه بدهی و رکود ناشی از ساختار درونی نظام بانکی که از ناحیه تعریف و تثبیت نرخ سود بانکی (متناسب با تورم)؛ به اقتصاد حد میزند، تورم پولی را درنهایت تشدید می‌کند، نرخ‌های سود بانکی را نه متناسب با بخش حقیقی بلکه براساس میزان انتظار برای امساک از مصرف تعریف می‌کند و در آخر کاهش ارزش پول ملی در برابر سایر ارزها و پذیرش دلار به عنوان دارایی و پس‌انداز را منجر می‌شود. به لحاظ تجربی منطقی نیست که اقتصادی را با سازوکار ابداعات پولی و اعتباری مبتنی بر بدهی با تقلید از سازوکار خلق اعتبار بانکداری متعارف غرب که با پایه بدهی و ربا و تولید و انتشار ارزهای جهان روا تنظیم شده است را بپذیریم، اما ابزار سیاست پولی کارآمدی را برای کنترل بر ساختار پولی استوار نکنیم. چه ضرورتی است وقتی می‌توان کنترل پولی را از سرچشمه در دست داشت رها کرد و سیلاب نقدینگی را به شکل ناکارا کنترل کرد. چرا باید هزینه‌های اجتماعی کارکرد سودآور نظام بانکی را جامعه با بیکاری و تورم بپردازد که نتیجه آن بی‌ثباتی پولی و حفظ پس‌اندازهای خصوصی با ترکیبی از دلار و طلا باشد؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مفاهمه و اقناع بین الاذهانی میان خبرگان اقتصادی با طیف‌های مختلف فکری و تنوع در سیاست‌گزاری کار پیچیده‌ای است. چنان‌چه بتوان استدلال بیانی و تفسیری را به استدلال ریاضی و با استفاده از پایه‌های خرد اقتصادی (به عنوان نقطه اشتراک مفاهمه بین الاذهانی) قرار داد، این امکان وجود دارد که در مسیر ناهموار استدلال برای اقناع، مفاهمه و توافقی حاصل شود. در ادامه این مقاله چند دلالت با استناد به پایه‌های ریاضی اقتصاد خرد مطرح می‌گردد:

۱-۱. دلالت اول: رویکرد مطلوب از نظام بانکداری تحلیلی در چارچوب الگوی ارو- دبرو[1]

فضای ایدئال برای رسیدن به تعادل عمومی می‌تواند در شرایطی ایجاد شود که همه بازارها در تعادل باشند[2] در ساده‌ترین نوع برخورد با بانکداری مطلوب در یک الگوی تعادل عمومی می‌توان به الگوی ارو– دبرو استناد نمود. در بستر یک الگوی فرضی که مصرف‌کننده، بنگاه و بانک نمونه براساس رفتار بهینه ناشی از حداکثر مطلوبیت و یا حداکثر سازی سود بنگاه و بانک عمل می‌کنند، می‌توان به تعادل عمومی دست یافت. به طوری‌که با فرض عدم وجود هزینه‌های مبادله؛ تعادل در بازارهای سرمایه، وام و سهام برقرار خواهد بود.

الف. مصرف‌کننده

در مدل دو دوره‌ای چنان‌چه مصرف‌کننده نوعی بسته مصرفی (C_1, C_2) را در دو دوره انتخاب کند و پس‌انداز خود (S) را بین سپرده‌گذاری در بانک (D_h) و اوراق سهام (B_h) به طریقی که تابع مطلوبیت تحت قید بودجه‌اش حداکثر شود را تخصیص دهد. آنگاه خواهیم داشت:

$$\begin{aligned} &\max u(C_1, C_2) \\ &C_1 + B_h + D_h = w_1 \\ &pC_2 = \Pi_f + \Pi_b + (1+r)B_h + (1+r_D)D_h \end{aligned} \qquad (۱)$$

(w_1) دارائی اولیه فرد از کالا، (p) قیمت در دوره دوم است و چنانچه ارتباط خانوار، بنگاه و بانک نمونه را در چرخه جریان اقتصادی مرسوم تصور کنیم، (Π_f) و (Π_b) به ترتیب سود مصرف‌کننده از فعالیت بنگاه و بانک (صرفاً شامل سود توزیع شده در دوره دوم) خواهد بود. از آن‌جا که فرض شده است سپرده بانکی و اوراق سهام با هم جانشین‌های کاملی هستند با حل مسئله بهینه نرخ بهره بازار با نرخ بهره سپرده برابر خواهد شد و بنابراین خواهیم داشت: $(r=r_D)$.

1. Arrow-Debreu Model

۲. تأکید می‌شود که ارائه الگوی فوق صرفاً برای ایجاد اشتراک ذهنی نویسندگان و خوانندگان ارائه شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

ب. بنگاه:

بنگاه‌ها سطح سرمایه‌گذاری (I) و تأمین مالی از بانک (L_f) را در مسیری قرار می‌دهند که سود بنگاه حداکثر شود به‌طوری‌که:

$\max \Pi_f$ $\Pi_f = pf(I) - (1+r)B_f - (1+r_L)L_f$ $I = B_f + L_f$	(۲)

(f) بر تابع تولید بنگاه نماینده دلالت دارد، (I) سرمایه‌گذاری بنگاه، (B_f) اوراق سهام منتشره توسط بنگاه تولیدی نماینده و چنانچه ذکر شد (L_f) دریافت وام از سیستم بانکی توسط بنگاه است. (r_L) نرخ بهره پرداختی بابت وام دریافت شده بنگاه از بانک است. همچنین بازپرداخت اصل‌وفرع اوراق سهام با نرخ بهره بازار (r) مطابق فرمول شماره (۲) انجام می‌شود. کل سرمایه‌گذاری بنگاه با انتشار اوراق سهام و اخذ وام بانکی انجام تأمین می‌شود. ازآنجاکه اوراق سهام و وام از بانک جانشین‌های کاملی برای بنگاه نماینده هستند با حداکثر سازی مسئله فوق نرخ بهره وام نیز با نرخ بهره بازار برابر است و بنابراین خواهیم داشت: $(r = r_L)$.

ج. بانک[1]

بانک بین عرضه وام و تقاضا برای سپرده‌گذاری و نیز انتشار اوراق قرضه بانکی (B_b) در جستجوی حداکثر نمودن سود و منفعت خود است. به‌طوری‌که سود بانک از تفاضل درآمد بهره‌ای ناشی از اعطای وام $(r_L L_b)$ و پرداخت‌های بهره‌ای بابت اوراق قرضه بانکی و سپرده‌های مدت‌دار $(rB_b - r_D D_b)$ و با احتساب قید میزان وام که نباید از اوراق قرضه منتشره و سپرده مدت‌دار بیشتر باشد $(L_b = B_b + D_b)$ به دست می‌آید:

$\max \Pi_b$ $\Pi_b = r_L L_b - rB_b - r_D D_b$ $L_b = B_b + D_b$	(۳)

مشابه روابط قبلی با حداکثر کردن سود بانک منجر خواهیم داشت: $(r = r_D = r_L)$ تفسیر این تساوی برابری نرخ‌های بهره با استفاده از حل روابط (۱) تا (۳) الگوی مطروحه فوق است. مضافاً این‌که سود بانک از محل اخذ وجوه سپرده‌ای و پرداخت وام صفر است.

د. تعادل عمومی

در تعادل عمومی باید بردارهای نرخ بهره (r, r_L, r_D) و سه بردار؛ مصرف دوره اول و دوم، اوراق سهام و سپرده خانوار (C_1, C_2, B_h, D_h)، سرمایه‌گذاری و اوراق سهام و میزان وام دریافتی بنگاه

۱. این‌جا فرض بر این است که همه نهادهای مالی و من‌جمله بانک‌ها خصوصی هستند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

(I, B_f, L_f) و اعطای وام، اوراق قرضه منتشره بانک و سپرده‌های مفتوحه نزد سیستم بانکی (L_b, B_b, D_b)در فضای رفتار بهینه هر سه بخش، باید به نتیجه‌ای دست‌یابیم که بازار کالا، بازار اعتبار و وام و بازار سهام در تعادل باشند. به بیان‌دیگر خواهیم داشت:

$I = S$ $D_b = D_h$ $L_f = L_b$ $B_h = B_f + B_b$	(۴)

در مدل مطلوب بانکداری، همه متغیرهای مالی و اعتباری (شامل سپرده، وام بانکی، سهام بنگاه و سهام بانک) تماماً به کالای حقیقی مصرفی و یا پس‌انداز حقیقی مرتبط می‌شوند به طوری‌که با استفاده از روابط (۱) تا (۴) و حل الگو می‌توان نوشت:

$C_2 = f(I)$	(۵)

بنابراین تعادل در بخش کالایی با برابری پس‌انداز و سرمایه‌گذاری $(I = S)$ تضمین می‌شود. تعادل در بخش اعتبارات بانکی (وام و سپرده) و بازار سهام نیز در همین فضا تصریح می‌شود $(D_b = D_h، L_f = L_b، B_h = B_f + B_b)$. این شیوه مطلوب در نظام بانکداری با مکانیسم عدم خلق اعتبار توسط سیستم بانکی محقق خواهد شد و در بانکداری متعارف با خلق پول درونی تحقق نخواهد یافت.

۲-۲. دلالت دوم: عدم تعادل و تثبیت رکود:

چنان‌چه مکانیسم خلق پول بانکی و تابع سود بانک را به شرایط کنونی نزدیک نماییم و کارکرد این نهاد را به لحاظ ریاضی بررسی کنیم نتایج حاصل از الگوی ارو- دبرو در ایجاد تعادل نه تنها به دست نخواهد آمد بلکه برای نظام بانکی سود سرشاری از خلق اعتبار فراهم خواهد ساخت. قدرت خلق پولی بانک می‌تواند ضمن این‌که به عدم تعادل‌های اقتصادی دامن بزند نقش پول را به عنوان یک قرارداد اجتماعی به چالش می‌کشد.

چنان‌چه مباحث ارائه شده در بخش۲-۱(شامل همه نمادهای تعریف‌شده) به طریقی دیگر تبیین شود می‌توان با فرض وجود تعداد N مصرف‌کننده، بنگاه نماینده و بانک، الگوی پیش‌گفته را در چارچوب بانکداری ذخیره جزئی بسط داد. اگر N مصرف‌کننده با مطلوبیت و قید بودجه یکسان، مطلوبیت حاصل از مصرف در دو دوره زمانی را متناسب با قید بودجه خود حداکثر نمایند. به طوری‌که تمایل داشته باشند سهمی از دستمزد پس‌انداز شده خود در دوره اول را به شکل پول نقد M(بدون توجه به نوع پول اعم از پول فلزی طلا و نقره یا پول کاغذی) و بقیه آن را به صورت سپرده و اوراق سهام نگهداری کنند می‌توان نوشت:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

$$\begin{aligned}&\max \Sigma_1^N u_i(C_{1i}, C_{2i})\\&C_{1i} + B_{hi} + D_{hi} + M_i = w_{1i}\\&pC_{2i} = \Pi_{fi} + \Pi_{bi} + (1+r)B_{hi} + (1+r_D)D_{hi}\\&i = 1 \ldots . N\end{aligned} \qquad (۶)$$

و چنانچه بانک، خانوارها را تشویق به تودیع تمام موجودی نقدی M در بانک به‌صورت سپرده D_h^* و متعهد به پرداخت پول نقد M به صورت عندالمطالبه نماید به طوری‌که وجه نقدی در قید بودجه خانوار نباشد ولی در تعهد بانک قرار گیرد، با جمع مطلوبیت و قیود خانوارها می‌توان نوشت:

$$\begin{aligned}&\max U(C_1, C_2)\\&C_1 + B_h + D_h^* = w_1\\&pC_2 = \Pi_f + \Pi_b + (1+r)B_h + (1+r_D)D_h\\&U = \Sigma_1^N u_i\end{aligned} \qquad (۷)$$

بانک برای تأمین خواست عندالمطالبه سپرده‌گذاران، چنانچه کسری از وجوه نقدی را در بانک ذخیره و مابقی آن را به‌صورت وام به بنگاه‌ها پرداخت کند از قدرت فزاینده‌ای در خلق اعتبار برخوردار می‌شود، به‌طوری‌که α سهمی از موجودی نقدی سپرده باشد که نزد بانک احتیاطاً و یا بر مبنای ذخیره قانونی نگهداری می‌شود، میزان خلق پول درونی و به‌تبع آن وام دهی بانک تجاری مطابق روابط (۸) و (۹) افزایش خواهد یافت. بر این مبنا می‌توان نوشت:

$$M = \sum_1^N M_i = \alpha \sum_1^N D_{hi}^* = \alpha D_h^*, 0 < \alpha < 1 \qquad (۸)$$

$$L = D_b = (D_h^* - \alpha D_h^*) = M\left(\frac{1}{\alpha} - 1\right) \qquad (۹)$$

در چارچوب بانکداری ذخیره جزئی تعادل اشاره‌شده در رابطه (۴) دیگر برقرار نخواهد بود حتی اگر تمام وجوه وام به بخش بنگاهی اختصاص یابد به‌طوری‌که براساس نمادهای تعریف شده در بخش قبل، خواهیم داشت:

$$\begin{aligned}&I < S\\&D_b > D_h\\&L_f = L_b\end{aligned} \qquad (۱۰)$$

[1]

۲-۳ دلالت سوم: سود سرشار و قدرت انحصار در پرتو توانایی خلق اعتبار بانکی

سود بانک در بستر خلق اعتبار بانکی و انتشار پول درونی به‌ویژه اگر ذخیره احتیاطی بانک کاهش چشمگیری یابد، بسیار بالا خواهد بود. به‌طوری‌که:

$$\begin{aligned}\pi &= r_L L - r_D D - Z(D, L)\\&= r_L M\left(\frac{1}{\alpha} - 1\right) - r_D M - Z(D, L)\end{aligned} \qquad (۱۱)$$

۱. کماکان فرض بر این است که وام اعطایی فقط به بنگاه پرداخت شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

در این رابطه $Z(D,L)$ هزینه‌های عمومی بانک در انجام فعالیت بانکداری و سایر متغیرها از رابطه (۸) و (۹) منتج می‌شود[۱]. در این مسیر با توجه به محوریت نرخ بهره سپرده، جانشینی کامل سپرده بانکی و اوراق سهام، بنگاه و حتی بانک دچار خلل می‌گردد. در حقیقت در شرایطی که خانوارها امکان برخورداری از پول نقد با درجه بالای نقدشوندگی همراه با امکان دریافت بهره سپرده را داشته باشند اوراق سهام مرتبط با بخش حقیقی اقتصاد جایگزینی برای وجوه نقد نخواهد بود. وجود ادعاهای زیاد نسبت به یک واحد پولی، عدم وجود قیمت واحد و تفاوت سررسیدی در تعهد بانک، اختصاص وام از منابع سپرده‌ای بدون اجازه سپرده‌گذار و صرفاً با نگاهداشت ذخیره احتیاطی کارکردی این شیوه از بانکداری را با خطر مواجه می‌سازد است.

۲-۴- دلالت چهارم: در بانکداری رایج بدهی‌های بانک بیش از دارایی‌ها است

چنان‌چه $A^*(t,\theta)$ دارایی‌های(تابع زمان) بانک باشد که در زمان θ سررسید می‌شود و همچنین $P^*(t,\theta)$ بدهی‌های (تابع زمان) بانک در سررسید θ باشد و اگر Θ دورترین زمان سررسید تعریف شود می‌توان نوشت:

$$A(t) = P(t) = A^*(t,\Theta) = P^*(t,\Theta) \qquad (۱۲)$$

به‌طوری‌که در انتهای دوره کل دارایی‌ها با بدهی‌های بانکی برابر خواهد شد. سؤال مشخص و مسئله مهم این است که آیا در طول دوره این برابری وجود دارد؟ پاسخ منفی است.

اگر کل میزان سپرده‌های بانکی $D_e(t)$ در زمان t که بدهی بانک محسوب می‌شود به‌صورت زیر تعریف شود:

$$P^*(t,t) = D_e(t) \qquad (۱۳)$$

و کل دارایی‌های بانک در زمان t شامل پایه پولی (اسکناس و مسکوک منتشره دولتی[۲] به طور مشابه به‌صورت زیر تعریف گردد:

$$A^*(t,t) = R(t) \qquad (۱۴)$$

$$p^*(t,\theta) = \frac{\partial P^*}{\partial \theta}(t,\theta)$$
$$P^*(t,\theta + d\theta) - P^*(t,\theta) = p^*(t,\theta)\,d\theta \qquad (۱۵)$$

$$a^*(t,\theta) = \frac{\partial A^*}{\partial \theta}(t,\theta)$$
$$A^*(t,\theta + d\theta) - A^*(t,\theta) = a^*(t,\theta)\,d\theta \qquad (۱۶)$$

۱. نمادهای رابطه (۱۱) در بخش ۲-۱ قبل معرفی شده‌اند.

2. Fiat Money

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

رشد دارایی‌های بانکی (رابطه ۱۶) از رشد بدهی‌های بانکی (رابطه ۱۵) کمتر خواهد بود. لذا می‌توان نتیجه گرفت قرض دادن وجوه سپرده‌گذاری شده سپرده‌گذاران که در زمان θ_P بدهی بانک سررسید می‌شود. درحالی‌که سررسید دارایی‌های بانک θ_A در زمانی دیرتر اتفاق می‌افتد به‌طوری‌که:

$\theta_P < \theta_A$	(۱۷)
$A^*(t,\theta) < P^*(t,\theta), \theta < \Theta$	(۱۸)

و تنها در زمان انتهایی دارایی‌ها با بدهی‌ها برابر است. ($\theta = \Theta, A^* = P^*$)

بانک برای حل مشکل تفاوت سررسیدی تلاش بسیاری برای ماندگاری سپرده‌ها از طریق مکانیسم‌های تشویقی (نرخ بهره سپرده به عنوان پاداش نقدینگی، خدمات رایگان مالی و یا مهم‌تر جابجایی وجوه و تعویض تعهدات روی می‌آورد) لیکن در بستر تورم خودافزای پولی با منشأ بانکداری متعارف تضمین بقای این سیستم بسیار پایین است.

۲-۵- دلالت پنجم: خلق پول، خلق قدرت خرید و توزیع درآمد

چنان‌چه $M_1(t,t)$ کماکان حجم پایه پولی منتشره توسط دولت (و تابعی از زمان) باشد که خارج از سیستم بانکی به علاوه حساب‌های دیداری افراد به گردش در می‌آید و $p^*(t,\theta)d\theta$ حجم سپرده‌های مدت‌دار باشد که در فاصله زمانی θ و $\theta + d\theta$ قرار دارد. همچنین $\sigma^*(t,\theta)$ متوسط نرخ قابل جانشین وجه نقد متناظر با سپرده‌های مدت‌دار باشد و $q_i(t)$ دارایی‌های دیگری به‌جز سپرده‌ها در زمان t باشند که با نرخ‌های قابل تعویض در مقابل نسبت نقد شوندگی $\sigma_i(t)$ قرار دارد؛ بنابراین داریم:

$M(t) = M_1(t,t) + \int_t^{\Theta} \sigma^*(t,\theta)\, p^*(t,\theta)\, d\theta + \sum \sigma_i(t) q_i(t)$	(۱۹)

عرضه پول به نحو مؤثری در قدرت خرید جامعه و هزینه‌های کلی جامعه اثر می‌گذارد. هرگونه افزایش در عرضه پول خواه از طریق انتشار رسمی و خواه از ناحیه سپرده بانکی باشد فوراً تقاضای مؤثر را ایجاد می‌کند. کل قدرت خرید ایجادشده قیمت‌ها را افزایش می‌دهد و هزینه‌های جامعه را به‌تبع خود بالا می‌برد؛ و در این چارچوب است که هر عرضه پولی تقاضای خود را به دنبال دارد. درنتیجه خلق و محو[1] پول از طریق مکانیسم اعتبار یک تعیین‌کننده اصلی در تحولات اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد است. مضافاً این‌که قدرت خرید اضافی ایجاد شده در پرتو کارکرد نهاد بانکی

۱. محو پول از طریق کاهش سرعت گردش پول و یا قبض انحصار گونه سیستم بانکی برای انتشار پول درونی به نفع خود و همچنین محو پول رسمی و رواج پول اعتباری(به‌ویژه الکترونیکی) امکان وجود خواهد داشت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

باعث بهبود موقعیت‌های نسبی برخی افراد (مرتبط با نهاد بانک) می‌شود که هزینه آن را سایز اقشار جامعه باید پرداخت کنند.

به نظر می‌رسد تفسیر و تعبیر مراحل مکانیسم اعتبار از طریق مجموعه ساده‌ای از عملیات دفترداری به خلق اعتبار از هیچ می‌انجامد و میزان قدرت خرید یکسانی را ایجاد می‌کند. در حقیقت زمانی که یک حساب‌جاری وام ایجاد می‌شود و گیرنده وام این اعتبار را به تصور این‌که در حساب او وجود دارد و قدرت خرید با این حساب اعتباری خواهد داشت از حساب برداشت نمی‌کند تا زمانی که وام خود را به‌صورت پول رسمی (چون وام‌گیرنده قدرت خلق اعتبار ندارد) به بانک برنگردانده است تا بانک مجدداً آن را به وام‌گیرنده دیگری به‌صورت اعتباری وام دهد بانک در طول دوره‌ای که این قدرت خرید را برای وام‌گیرنده ایجاد شده و وجه وام در حساب موصوف وجود دارد از حساب‌جاری وام‌گیرنده برای پرداخت وام‌های دیگر استفاده می‌کند؛ و با این وصف دائماً عرضه پول افزایش می‌یابد. بر این مبنا اگر میزان مشخصی اعتبار روی حساب‌جاری به اندازه ΔD_eدر زمان tدر دسترس باشد و پیش‌پرداخت بعدی در دوره θ تمدید نشده باشد. خلق پول از هیچ از ΔD_e قدرت خریدی را در خلال دوره t به جبران محو آن‌چه در دوره θ ایجاد می‌شود، فراهم نماید. در این‌جا بانک می‌تواند مجموع بهره متعلقه به فاصله این دو زمان را براساس ارزش حال تنزیل شده ΔV قدرت خرید ایجادی را دریافت کند. به طوری‌که:

$$\Delta V = \Delta D_e \int_t^{\theta} i(u)\, e^{-\int_t^u i(\tau)\,d\tau}\, du \qquad (۲۰)$$

در این‌جا $i(t)$ بیانگر نرخ بهره در زمان t است که طبیعتاً به طور نسبی از نرخ بهره وام کوتاه‌مدت کمتر است. اگر این موضوع در دوره θ تکرار شود و چنانچه دائماً مراحل تجدید گردد قدرت خرید ایجادشده عبارت خواهد بود:

$$\Delta D_e \int_t^{\infty} i(u)\, e^{-\int_t^u i(\tau)\,d\tau}\, du = \Delta D_e \qquad (۲۱)$$

به‌طوری‌که:

$$\int_t^{\infty} i(u)\, e^{-\int_t^u i(\tau)\,d\tau}\, du = 1 \qquad (۲۲)$$

و با استناد به تحلیل‌های پیشین می‌توان استدلال کرد:

$$(1-\mu)\int_t^{\infty} i(u)\, e^{-\int_t^u i(\tau)\,d\tau}\, du = 1-\mu \qquad (۲۳)$$

$$(1-\mu)D_e = D_e - R \qquad (۲۴)$$

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

و می‌دانیم که μ و R ارزش ذخایر نقدی نگهداری شده برای پوشش دادن سپرده دیداری D_e است.

پس روشن می‌شود که قدرت خرید از هیچ به نحو ساده‌ای توسط مجموعه‌ای از عملیات دفترداری ایجاد می‌گردد که برابر با افزایش عرضه پول و درنتیجه گردش مکانیسم اعتبار است. بخشی از این قدرت خرید اضافی توسط بانک به سپرده‌گذاران آن بانک واگذار می‌شود و بخش دیگر به قرض‌دهی بانک‌ها اختصاص می‌یابد.

در ارتباط با نرخ بهره و برابری آن رجحان زمانی به عنوان عامل تنزیل به چند نکته اشاره ضمنی و غیرصریح وجود دارد. از رابطه (۲۰) این برداشت می‌شود که نرخ بهره بانکی و نرخ تنزیل با هم برابر هستند؛ و بانک می‌تواند از نتیجه به دست آمده از رابطه (۲۰) با جانشین کردن وجوه اعتباری حساب‌های دیداری سپرده‌گذاران همواره منافع خود را تا بی‌نهایت دنبال کند و قدرت خریدی که از این رهگذر به دست می‌آورد را کماکان حفظ نماید. صرفاً لازم است تا ذخیره مشخصی از سپرده تودیع شده را در را بطه (۲۳) به صورت نقد احتیاطاً نگهداری نماید و بقیه آن را مجدداً قرض دهد. در حالی‌که این ظاهر قضیه است.

سپرده‌گذاران وجوه نقدی خود را با این شرط در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند که در هر زمان و در هر مکان نیاز به پول نقد داشتند آن را از حساب خود برداشت کرده و مصرف کنند. در حالت دیگر وجه سپرده‌گذاران در حساب بانکی آن‌ها به‌صورت جابجایی در حساب بستانکاران بانک منجر به تسویه بدهی افراد جامعه می‌شود به طور مثال داد و ستد دو سپرده‌گذار بانک از طریق جابجایی دفتری بدهکاری و بستانکاری آنان در حساب‌های بانکی انجام می‌پذیرد. بانک متعهد است تا عندالمطالبه وجوه سپرده‌ای را عودت دهد. اگر نرخ رجحان زمانی به منزله ترجیح مصرف حال باشد یعنی افراد باید در هر لحظه از زمان پول را به عنوان واسطه کالایی به کالای مصرفی تبدیل کنند. درحالی‌که برابری این دو نرخ به این معنی است که افراد خواستار نگهداری پول هستند و این با مفهوم حساب جاری در تناقض است؛ بنابراین این دو نرخ یکسان نیستند و صرفاً در بی‌نهایت برابر می‌شوند و اگر سیستم تا بی‌نهایت تداوم فعالیت داشته باشد برابری صادق است ولی آیا امکان‌پذیر خواهد بود؟ پول به منزله اعتبار و ادعا و بدهی افراد به هم و بالاتر از آن بدهی بانک به سپرده‌گذاران امکان فعالیت دائمی خواهد داشت؟ بستر شرایط فعالیت بانکی در این سیستم بسیار ناپایدار است و تداوم عملکرد بانکی زیر سؤال است. به تعبیر دیگر برابری با یک هیچ‌گاه اتفاق نمی‌افتد و بانک با خطر ورشکستگی مواجه خواهد بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۳- برنامه‌های توسعه در حوزه بانکی (مسیر طی شده)

بانک‌ها با پایان جنگ تحمیلی، مسئولیت‌های گسترده‌ای در جهت رسیدن به یک توسعه مستمر را عهده‌دار شدند، به‌گونه‌ای که حمایت مالی از طرح‌های زیر بنایی در کنار ارائه خدمات عمومی را نیز در حوزه وظایف خود لحاظ نمودند.

در برنامه اول توسعه، سیاست‌های اعتباری معطوف کاهش محدودیت‌های اعتباری و ایجاد سهم‌های اعتباری به‌منظور سوق دادن منابع بانکی به بخش‌های مختلف اقتصادی در چارچوب اولویت‌های کلان در کنار تأمین مالی صنایع کشور از طریق استقراض خارجی بود.

در برنامه دوم توسعه با توجه به روند فزاینده اسعار خارجی بخش قابل توجهی از کسری ساختاری بودجه از محل منابع نظام بانکی تأمین گردید و بدهی بخش دولت به نظام بانکی افزایش قابل‌توجهی پیدا کرد. سیاست سقف‌های اعتباری و کنترل قیمت‌ها نیز همچنان در برنامه دوم ادامه داشت.

برنامه سوم با محوریت توسعه بخش مالی به عنوان محور اصلاحات اقتصادی شروع گردید. در برنامه سوم ممنوعیت استقراض از نظام بانکی جهت تأمین کسری بودجه و کاهش بار تکالیف بر بانک‌ها، آزادسازی اعتباری، تقویت ضریب کفایت سرمایه، ایجاد بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی، تدوین برنامه جامع اصلاحات نظام بانکی(با تأکید بر توسعه مالی) مورد توجه قرار گرفت.

در خصوص مهم‌ترین تحولات نظام بانکی در چارچوب برنامه سوم می‌توان به مواردی نظیر مجوز فروش ۵۰۰۰ میلیارد اوراق مشارکت در قالب ماده ۹۳ برنامه سوم جهت تقویت سرمایه پایه بانک‌ها، کاهش تسهیلات تکلیفی سالانه ده درصد، آزادسازی سهم‌های اعتباری با هدف آزادی عمل بیشتر بانک‌ها در تخصیص اعتبارات و کاهش نرخ سپرده‌های قانونی از متوسط ۲۱/۵ به ۱۶/۵ طی سال‌های برنامه سوم اشاره کرد همچنین تدوین اصلاحات راهبردی نظام بانکی کشور با تأکید براعطای آزادی عمل بیشتر به جبران بانکی؛ و گسترش بانک‌های خصوصی به منظور توسعه فضای رقابتی در نظام بانکی، ازجمله برنامه‌های محوری سیاست‌گذاران بوده است. یکسان‌سازی صورت‌های مالی بانک‌ها براساس استانداردهای بین‌المللی، نظام‌مند کردن صندوق‌های قرض‌الحسنه، تنظیم لایحه پول‌شویی توسط دولت، بسترسازی برای خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی، استفاده از ابزار فروش اوراق‌مشارکت توسط بانک مرکزی جهت اعمال سیاست پولی، از رویکردهای نوعاً متضاد در این حوزه است. رئوس برنامه چهارم توسعه و تحولات نظام بانکی به طور خلاصه به شرح ذیل است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

- مطابق ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه هرگونه سهمیه‌بندی تسهیلات بانکی و اولویت‌های مربوط به بخش‌ها و مناطق با تصویب هیئت وزیران و پرداخت تسهیلات با نرخ کمتر از طریق تشویق سیستم بانکی با استفاده از یارانه نقدی و وجوه اداره شده صورت پذیرد.
- به منظور تأمین رشد اقتصادی و کنترل تورم دولت مکلف است بدهی خود به بانک‌مرکزی و بانک‌ها را طی سال‌های برنامه چهارم با منظور نمودن در بودجه سنواتی کاهش دهد.
- دولت مکلف است از سال اول برنامه چهارم نسبت به برقراری نظام بانکداری الکترونیک در کلیه بانک‌های کشور اقدام نماید.
- استانداردهای بین‌المللی در مورد کفایت سرمایه مطابق مصوبات شورای پول و اعتبار رعایت شود.
- به منظور حفظ اعتماد عمومی به نظام بانکی، نظام بیمه سپرده ایجاد شود.
- سه درصد از سپرده قانونی بانک‌ها نزد بانک مرکزی در اختیار بانک‌های کشاورزی، مسکن و صنعت و معدن قرار گیرد تا صرف اعطای تسهیلات به طرح‌های بخش‌های فوق‌الذکر گردد.

برنامه پنجم توسعه و تحولات نظام بانکی نیز به طور خلاصه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- مطابق ماده ۸۶ برنامه پنجم توسعه، به منظور گسترش و نهادینه کردن سنت قرض‌الحسنه شبکه بانکی موظف به تفکیک حساب‌های قرض‌الحسنه و اختصاص آن صرفاً به تسهیلات قرض‌الحسنه تا پایان سال اول برنامه پنجم است.
- مطابق ماده ۹۱ قانون برنامه پنجم بانک‌ها و مؤسسات اعتباری موظف‌اند از سال اول برنامه قبل از اعطا هرگونه وام و تسهیلات به مشتریان اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی نسبت به اعتبار سنجی و تعیین حد اعتباری آن‌ها اقدام نمایند تا از روند افزایشی مطالبات معوق جلوگیری گردد.
- مطابق ماده ۹۲ قانون برنامه پنجم شورای پول و اعتبار موظف است نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌های یک‌ساله را حداقل به میزان میانگین نرخ تورم سال قبل و پیش‌بینی سال مورد عمل، تعیین نماید.
- پرداخت تسهیلات در قالب عقود مبادله‌ای و با نرخ کمتر از نرخ سود اعلام شده فقط از طریق یارانه وجوه اداره شده دولت امکان‌پذیر است.
- مطابق ماده ۹۵ برنامه پنجم به بانک مرکزی اجازه داده شده است به منظور تضمین بازپرداخت وجوه متعلق به سپرده‌گذاران بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری در صورت ورشکستگی، صندوق ضمانت سپرده با شرایط تعیین شده در این قانون را ایجاد نماید.

مطابق مواد ۹۷ و ۹۸ قانون برنامه پنجم نیز ترویج استفاده از ابزارهای تأمین مالی جدید نظیر صکوک و استفاده از عقود اسلامی بیشتر نظیر مرابحه، خرید دین و استصناع توصیه شده است که

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

تنوع ابزارهای تأمین مالی و تسهیل در شیوه‌های اعطای تسهیلات را به دنبال دارد. با توجه به مرور سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه‌ای کشور می‌توان نتایج زیر را اخذ کرد.

- تفکر توسعه مالی و گسترش مؤسسات اعتباری در کشور علی‌رغم ایجاد مشکلات عدیده اقتصادی برای جامعه ایران کماکان در عمق اندیشه و افق نگاه تصمیم‌سازان اقتصادی کشور دنبال می‌شود.
- نتیجه توسعه مالی در اقتصاد ایران دور تسلسل‌های باطل مارپیچ تورم و نرخ بهره دیده می‌شود؛ اما با این همه، کشور همواره تجربیات آزمون شده گذشته خود را مجدداً با تلخی می‌آزماید.
- برنامه‌های توسعه‌ای هیچ‌گاه انسجام لازم را در مواجهه با چالش‌های نظام بانکی نداشته است هرچند تلاش‌هایی در برنامه پنجم توسعه دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج بخش قبلی می‌توان بیان کرد که وجود اعتبار و خلق پول توسط بانک‌ها باعث ایجاد عدم تعادل در بازار سرمایه و مالی شده که این امر نیز بر کل سیستم و تعادل عمومی براساس قانون والراس اثرگذار خواهد بود. در همین راستا می‌توان راهکارهایی به شرح ذیل ارائه نمود:

- ایجاد مکانیسم ذخیره صددرصدی برای عدم امکان خلق پول بانکی به جای بانکداری ذخیره جزئی.
- بازگشت به الگوهای بانکداری اسلامی اعم از قرض‌الحسنه و مشارکت در سود و زیان با ویژگی اعطای قدرت خرید از قرض‌دهنده به قرض گیرنده یا انتقال قدرت خرید پولی از سرمایه‌گذار به سرمایه‌پذیر در عقود مشارکتی تا حصول نتیجه نهایی عقد.
- استفاده از شیوه‌های نوین بانکداری اسلامی با ویژگی حبس پول به جای کنز پول با توجه به این‌که در حبس پول صرفاً قدرت خرید انتقال می‌یابد و اصل پول در چرخه اقتصاد باقی می‌ماند لیکن در کنز پول در جامعه کمبود پول ایجاد می‌شود و این خود زمینه‌ساز ایجاد نرخ بهره پولی و به تبع آن بیکاری است.
- تلاش در زمینه توجه به مبانی فقهی انتشار و خلق پول توسط بانک در کنار مبانی فقهی حرمت ربا.
- قلمرو خلق پول باید متعلق به دولت و تنها دولت باشد و لذا بانک مرکزی باید تمام عرضه پول را در اقتصاد در اختیار داشته باشد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

- باید از خلق پول توسط بانک‌های تجاری در چارچوب بانکداری متعارف از طریق عملیات دفترداری جلوگیری شود. در این مسیر باید این امکان وجود داشته باشد که بانک‌ها امکان ارائه وام‌هایی کوتاه‌مدت‌تر از وجوهی که قرض می‌گیرند، داشته باشند.
- تنها کار سپرده‌پذیری بانک‌ها اطمینان از پرداخت‌های به مشتریان و نیز دریافت‌های از مشتریان است که کنترل حساب آنان توسط بانک سپرده‌پذیر توسط اخذ حق‌الزحمه و هزینه نگهداری انجام می‌پذیرد.
- بانک‌های اعتباری در عین گرفتن قرض‌های بلندمدت باید به پرداخت وام‌های کوتاه‌مدت تأکید داشته باشند. همچنین میزان مجموع وام‌های اعطایی مشتریان باید مساوی سرمایه نقدی آنان باشد.
- بانک‌های تجاری مطابق با قاعده کلی و براساس تعریف بانک‌های اعتباری مستقیماً قرض گرفته و در فعالیت‌های اقتصادی وجوه خود را سرمایه‌گذاری کنند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

منابع

۱- بخشی دستجردی، رسول. دلالی اصفهانی، رحیم (۱۳۹۰) «آسیب‌شناسی نظریه بهره و نظام بانکداری متعارف» یزد، دانشگاه یزد.

۲- درخشان، مسعود (۱۳۸۸)«بررسی علل بحران اقتصادی ۲۰۰۸» دانشگاه امام صادق (ع) با همکاری معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.

۳- طبیبیان، محمد، (۱۳۷۷) «بی‌ثباتی بازارهای مالی و بحران شرق آسیا»، همایش ریشه‌یابی یک بحران«درس‌هایی از جنوب شرقی آسیا»، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۴- مجاهدی مؤخر، محمدمهدی. دلالی اصفهانی، رحیم. صمدی، سعید و بخشی دستجردی، رسول (۱۳۹۰) «مدل‌سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تأکید بر رهیافت موریس آله»، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۵، پاییز.

۵- مجاهدی‌مؤخر، محمدمهدی. دلالی اصفهانی، رحیم. صمدی، سعید و بخشی دستجردی، رسول (۱۳۹۲) «بررسی دیدگاه غرب و رویکرد اسلامی به ارتکاز ذهنی از ماهیت پول و اعتبار»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶۵، بهار.

۶- مصطفی پور، منوچهر؛ (۱۳۹۰)گزارش: نقش نظام سرمایه‌داری در ایجاد بحران‌های اقتصادی و مالی دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی مجله اقتصادی سال یازدهم - شماره ۵, ۶ .

7- Allais,Maurice (1987).”The Credit Mechanisem and its Implications”In Arrow and The Foundation of The Theory of Economic Policy,G.R.Feiwel (Ed.)London:Macmillan.

8- Bewley, Truman. (1980) “The optimum quantity of money." In Models of monetary economies., ed. J.H. Kareken and N. Wallace, 169-210. Federal Reserve Bank of Minneapolis.

9- Cesarano, ph(1998). “Providing for the optimum quantity of money”,Journal of Economic Studies.Vol 25,No 6, PP. 441-449.

10-Ono, Y(1994),”Money, Interest and Stagnation: Dynamic Theory and Keynes’s Economics”, Oxford University Press Inc, New York

11-Ronnie J.Phillips (1994).”The Chicago Plan and New Deal Banking Reform”.New York,M.E

12-International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, 2012,2014.

13-Semmel.G. (1978).” The Philosophy of Money” Routedge and Kegan paul Ltd, London (English translation).

14-Xavier,F and Jean,Ch,R. (2008).”Macroeconomics of Banking” Cambridge,Massachusetts. MIT Press.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

15- Harold L. Cole Narayana Kocherlakota ,” Zero Nominal Interest Rates :Why They're Good and How to Get Them” Federal Reserve Bank of Minneapolis Quarterly Review Spring.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]